

پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی

شماره ۳ (بی‌دربی ۲۹) پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۷۰ - ۱۵۷

نقد تصحیح غزلیات ابن یمین فریومدی

اکرم هراتیان^۱

چکیده

ابن یمین فریومدی از شاعران معروف تاریخ ادبیات فارسی در نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری است. آنچه امروز از شعر او در اختیار ماست؛ مجموعه‌ای چند هزار بیتی در قالب‌های مختلف شعری که بخش مهمی از آن غزلیات است. از چندین دهه پیش که حسینعلی باستانی‌راد دیوان ابن یمین را تصحیح و منتشر کرد، تنها مرجع محققان برای شعر ابن یمین، همین دیوان مصحح وی بوده است که پس از مقابله این تصحیح با دیگر نسخه‌های خطی به دست آمده، تعداد زیادی ابیات از اغلاط پیراسته و چندصد بیت دیگر؛ به‌ویژه در غزلیات به متن افزوده خواهد شد. در این مقاله بخش غزلیات دیوان ابن یمین را با نسخه‌هایی که مورد مراجعه مصحح پیشین نبوده است، مقابله کرده‌ایم و ضبط یا ضبط‌های جدید را با توجه به قرینه‌هایی که در آن، بیت یا غزل یا احتمالاً در اشعار ابن یمین یافت می‌شود، سنجیده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: قرن هشتم، دیوان اشعار، تصحیح، ابن یمین فریومدی، غزلیات.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۲۶

تاریخ وصول: ۹۶/۰۴/۲۰

مقدمه

ابن یمین فریومدی از شاعران معروف نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری است. نام و لقب و شهرت ابن یمین آن‌گونه که خود، در مقدمه منثوری که بر دیوان اشعارش نوشته است: «محمود بن یمین المستوفی الفریومدی» است (ابن یمین، ۱۳۶۳: مقدمه: ۱) و در تذکره‌ها به صورت محمود و امیرمحمود (دولت‌شاه، ۱۳۸۲: ۲۷۳، ۲۷۵؛ آذر بیگدلی، ۱۳۳۶: بخش نخست، ۳۷)، امیر فخرالدین محمود بن امیر یمین‌الدین مستوفی (خوافی، ۱۳۸۶: ۲/ ۹۶۴-۹۶۵)، امیر محمود بن یمین‌الدین (امین/حمد رازی، ۱۳۸۹: ۲/ ۸۱۱؛ هدایت، ۱۳۳۹: ۱/۴)، قطب‌الدین امیر محمود المشهور به ابن یمین (اوحدی بلاینی، ۱۳۸۷: ۳۸۹/۱) ثبت شده است. تخلص وی آن‌گونه که در اشعارش به وفور تکرار شده است، «ابن یمین» است.

تذکره‌نویسان تعداد ابیات دیوان ابن یمین را متفاوت ثبت کرده‌اند. برای نمونه صاحب عرفات العاشقین، کلیات او را قریب به بیست‌هزار بیت (اوحدی بلاینی، ج ۱، ۱۳۸۷: ۳۸۹) و مجمع الفصحا، دوهزار بیت (هدایت، ج ۴، ۱۳۳۹: ۱) دانسته است. به نظر می‌رسد، مفقود شدن دیوان ابن یمین، در جنگ زاوه^۱ تا حدی اشعار او را از دسترس تذکره‌نویسان دور کرده است (واله داغستانی، ج ۱، ۱۳۹۱: ۶۸) و این اختلاف زیاد در شماره ابیات دیوان او، از همین جا ناشی شده است.

تا کنون مجموعه‌هایی از دیوان ابن یمین منتشر شده است: «نخستین بار که اشعار ابن یمین را انتشار داده‌اند، در سال ۱۸۵۲ میلادی خاورشناس نامی اطریشی، شیلختا وِسْهرْد، ۱۶۴ قطعه او را با ترجمه آلمانی در وینه بدین عنوان Schlehta-Wesehrd, IBN Yamins Bruchtsucke, Vienna, ۱۸۵۲ انتشار داده است. سپس مجموعه‌ای از مقطعات او، در ۲۱۶ صفحه کوچک پنج صفحه‌ای در ۱۸۶۵ میلادی در کلکته به چاپ سربی بدین عنوان: "کتاب قطعات ابن یمین من تصنیفات ابن یمین فریومدی رح، باعانت جماعه اشاعه علوم، در مطبعه مظهر العجایب واقع محله تالتلا من محلات شهر کلکته حلیه طبع پوشید، سنه ۱۸۶۵ع" (ابن یمین، ۱۳۸۱: مقدمه، ص ب- پ؛ هم‌چنین رک: عارف نوشاهی، ج ۳، ۱۳۹۱: ۱۵۱۰). منتخبی دیگر از اشعار ابن یمین با عنوان "دیوان قطعات و رباعیات ابن

یمین" در سال ۱۹۶۲ میلادی در کراچی در دانشگاه گورنمنت بنون، در ۲۸۴ صفحه و چاپی دیگر بدون تاریخ در بهوپال در مطبعه دارالاقبال در ۱۴۴ صفحه به چاپ رسیده است (عارف نوشاهی، ج ۳، ۱۳۹۱: ۱۵۸). در سال ۱۳۱۸ سعید نفیسی مجموعه‌ای از مقطعات و مثنویات و رباعیات ابن یمن را با مقابله سه نسخه قدیم و جدید و یک نسخه کامل، متعلق به مجلس شورا منتشر کرد (ابن یمن، ۱۳۱۸: پ).

آخرین چاپی که از دیوان ابن یمن منتشر شده است، در سال ۱۳۴۴ ش به تصحیح حسینعلی باستانی‌راد از انتشارات کتابخانه سنایی است. این دیوان در مجموع، مشتمل بر ۱۴۰۷۴ بیت شعر، مشتمل بر قصیده (۳۹۷۸ بیت)، غزل (۲۵۲۳ بیت)، قطعه (۴۷۰۲ بیت) رباعی (۱۳۴۲ بیت)، مثنوی (۸۲۴ بیت) و ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، ملمع، قطعات عربی، چستان و مسط (در مجموع ۷۰۵ بیت) است.

بحث و بررسی

با آن‌که پنجاه‌ودو سال از آخرین تصحیح و چاپ دیوان ابن یمن به اهتمام حسینعلی باستانی‌راد می‌گذرد، این تصحیح تنها مرجع موثق اشعار او محسوب می‌شود و تحقیقاتی که با تکیه بر آن صورت گرفته نیز اندک است. از طرفی در اغلب این تحقیقات یا به محتوای شعر ابن یمن پرداخته‌اند و یا در حواشی زندگانی شاعر و گاه‌گاهی روزگارش سخن گفته‌اند و آنچه مستقیماً به متن اشعار او و صورت صحیح ثبت و ضبط آن مربوط باشد، تقریباً هیچ است.

باستانی‌راد در مقدمه دیوان ابن یمن، معرفی مختصری از چهار نسخه که در دسترس داشته، ارائه داده؛ اما با دلائلی غیرقابل قبول، سه نسخه دیگر (رک: ادامه مطلب) را از دایره تصحیح کنار گذاشته است: «به‌واسطه آن‌که قافیه اشعار مردّف به حروف تهجی نبود و اشعار نیز درهم و مخلوط بود. به این معنی که قصیده و غزل و قطعه و رباعی مجزاً نبود و برای یافتن یک شعر همه دیوان را می‌بایست، مرور نمود و مضافاً این‌که صفحات شماره نداشت و در صحافی هم اوراق کتاب جابه‌جا شده بود؛ لذا به استفاده‌ای که منظور داشتیم، موفق نگردیدم» (ابن یمن، ۱۳۱۸: نو).

این نسخه که باستانی‌راد از آن سخن گفته است، نسخه‌ای است از کتابخانه مجلس که

در میان چهار نسخه کامل دیوان ابن یمین، بهترین نسخه است و بدون در نظر گرفتن آن، تصحیح اشعار ابن یمین، کاری عبث خواهد بود؛ زیرا سه نسخه دیگر، به‌ویژه نسخه اساس باستانی‌راد؛ یعنی نسخه دانشگاه تهران در برخی از ضبط‌ها آنقدر دچار تصحیف و تحریف شده است که رسیدن به صورت صحیح اشعار ممکن نیست. مصحح در حین تصحیح، ضبط‌هایی را در متن چاپی آورده است که در نسخه اساس نشانی از آن نیست و آن‌ها را در سه نسخه دیگر می‌توان یافت. این نشان می‌دهد که وی در برخی از موارد که بیت را دشوار یا ضبط را فاسد تشخیص داده است، ضبط نسخه اساس خود را رها کرده و ضبط‌های دیگر نسخه‌ها را وارد متن چاپی کرده است. برخی از ضبط‌ها نیز هیچ پشتوانه‌ای ندارند و مصحح بر اساس دریافت خود از معنی شعر، کلماتی را به متن افزوده است. این در حالی است که مصحح، به غیر از بخش قطعات که با چاپ سعید نفیسی مقابله شده، هیچ نسخه‌بدلی ارائه نداده است. در صورتی که اگر این نسخه‌ها در مدار تصحیح قرار می‌گرفت؛ هم ابیات، صورت بهتر و صحیح‌تری می‌بافت و هم تعداد قابل ملاحظه‌ای بیت که معنی سایر ابیات را کامل می‌کند، به غزلیات افزوده می‌شد.

جدول زیر نشان می‌دهد که مقابله تصحیح باستانی‌راد با نسخه‌هایی که او به آن‌ها بی‌توجه بوده است، چه تفاوتی در تعداد غزل‌ها و به تناسب آن، در شماره ابیات ایجاد خواهد کرد:

چاپ باستانی‌راد	۳۲۴ غزل	۲۵۲۳ بیت
تصحیح جدید	۳۹۶ غزل	۳۳۸۱ بیت
تفاوت	۷۲ غزل	۸۵۸ بیت

الف) معرفی نسخه‌ها

بیاض تاج‌الدین احمد وزیر که به تاریخ ۷۸۲ق در شیراز کتابت شده است، قدیم‌ترین نسخه تاریخ‌داری است که حاوی ۲۴ قطعه از ابن یمین است (بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۵۳: ۲۴۳-۲۵۶). نسخه‌ای دیگر که اصل آن در کتابخانه قونیه نگهداری می‌شود و عکسی از آن به شماره ۳۲۱/۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، دربردارنده ۳۱۳ قطعه از اوست. این نسخه تاریخ ندارد؛ اما در میان مجموعه‌ای با همان خط قرار

گرفته که تاریخ انجام یکی از رساله‌های آن «فی یوم الخمیس فی تاریخ سنه ثمان و اربعین و ثمانمائه [۸۴۸] است. از مجموع چهل نسخه خطی شناخته‌شده اشعار ابن یمین (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۴/۵) چهار نسخه، مجموعه کاملی از دیوان شعر اوست و بقیه منتخباتی از اشعار او؛ بویژه قطعات است. این چهار نسخه کامل به ترتیب اهمیت عبارتند از:

الف-۱) نسخه کتابخانه مجلس (۱) «اساس»

عکسی از این نسخه به شماره ۱۵۲۳۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. به احتمال زیاد در قرن نهم استنساخ شده و در میان سه نسخه دیگر از دیوان ابن یمین، قدیم‌ترین و صحیح‌ترین نسخه‌هاست. ضبط‌های دقیق و صحیحی در این نسخه هست که در سایر نسخه‌ها وجود ندارد و ابیاتی هم افزون بر سایر نسخه‌ها دارد که با وجود آن‌ها، معنای بقیه ابیات در محور عمودی کامل می‌شود. ذبیح‌الله صفا در هنگام معرفی ابن یمین، این نسخه را «قابل توجه» دانسته است (صفا، ۱۳۶۱: ۹۵۷).

الف-۲) نسخه دانشگاه تهران / «ت»

این نسخه، اساس چاپ باستانی‌راد بوده است. اشعار ابن یمین در این نسخه در حاشیه غزلیات امیرخسرو دهلوی نوشته شده است. نسخه، مجدول و مذهب بوده و نشان طلاکاری در حاشیه نسخه هنوز نمودار است. کاتب در بسیاری از موارد سهوهای دارد. این نسخه هرچند تاریخ‌دار است (به تاریخ ۹۲۱ به کتابت درویش محمد) به تنهایی ملاک مناسبی برای چاپ اشعار ابن یمین نیست، اگر چه گاهی ضبط‌هایش بر دیگر نسخه‌ها ارجح است. اصل این نسخه به شماره ۷۳۸۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است.

الف-۳) نسخه کتابخانه کاخ گلستان / «س»

از نسخه‌های قابل اعتنای دیوان ابن یمین است که به شماره دفتر ۳۵۳ در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ است، به خط زین العابدین ابن جمال‌الدین کاردگر. تاریخ ندارد و شامل دیباچه منثور، قصاید، مقطعات، تواریخ، غزلیات و مخمس است. دارای ۳۸۷ صفحه و هر

صفحه ۱۸ سطر در متن و ۱۶ نیم‌سطر در حاشیه کتابت دارد (آتابای، ج ۱، ۲۵۳۵: ۴-۷).

الف-۴) نسخه کتابخانه مجلس (۲) «ج»

متأخرترین نسخه کامل دیوان ابن یمین است و از روی نسخه کاخ گلستان استنساخ شده و کاتب عیناً نام کاتب نسخه کاخ گلستان را در آخر خطبه دیوان آورده است. هیچ جدول و نشانه‌ای ندارد و در حواشی آن حدس‌هایی به خط علامه دهخدا درباره صورت صحیح برخی از ضبط‌ها نوشته شده است. در بخش غزلیات تفاوت‌هایی با نسخه کاخ گلستان دارد؛ به این صورت که برخی غزلیات در آن آمده است که از ابن یمین نیست. علامه دهخدا مدتی این نسخه را در اختیار داشته است و در مدخل «ابن یمین» در لغت‌نامه، توضیحی جالب توجه درباره آن داده است: «نسخه دیگری که نگارنده با حدس و قیاس تصحیح کرده در کتابخانه مجلس ملی هست؛ لکن غزلیات با غزل‌های ابن یمین دیگری که مردی صوفی مشرب؛ ولی عامی بخت بوده ممزوج است و من در حاشیه هر یک غزل‌های اصلی و الحاقی را معلوم کردم» (دهخدا، ۱۳۶۳: ذیل ابن یمین). این نسخه به شماره ۴۱۶۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

الف-۵) نسخه کتابخانه مجلس (ل)

این نسخه مجموعه‌ای به نسبت کامل از غزلیات و تعداد قابل توجهی رباعی و یک مخمس است که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۳۰۶۸ نگهداری می‌شود. تاریخ ندارد؛ اما حاوی ضبط‌هایی است که گاهی بر همه نسخه‌ها ارجحیت دارد. آنچه به صورت عکسی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با شماره‌های ۳۸۸۶ و ۳۸۸۷ موجود است، در اصل، عکسی از همین نسخه است و تفاوتی با آن ندارند.

ب) نقد تصحیح غزلیات

از مقابله نسخه‌های معرفی شده با چاپ باستانی‌راد به موارد فراوانی می‌توان رسید که ضبط‌های نسخه او که همان نسخه «ت» باشد، دقیق نیست و به کمک نسخه‌های دیگر می‌توان به ضبط صحیح رسید. بنابراین نسخه کتابخانه مجلس را به شماره ۱۵۲۳۹ با توجه

به ضبط‌های دقیق آن به‌عنوان اساس، انتخاب کرده‌ایم و نسخه‌های ت و س و ج، را به ترتیب با نسخهٔ چایی باستانی‌راد سنجیده‌ایم. در بیشتر موارد، ضبط‌های نسخهٔ اساس با ضبط‌های نسخه‌های س و ج تأیید می‌شود که برآورد ما آن است که نسخه «اساس» و «س» و «ج» به یک دسته از نسخه‌ها مربوط‌اند و به احتمال زیاد، از روی یک «مادرنسخه» استنساخ شده‌اند و نسخهٔ «ت» که اساس باستانی‌راد در چاپ دیوان ابن یمین بوده است، در ردهٔ دیگری از نسخه‌ها قرار دارد.

کاتب نسخه باستانی‌راد برخی از ابیات غزلیات را حذف کرده است یا از نسخه‌ای استنساخ کرده که خود، فاقد این ابیات بوده است. این مطلب از آنجا اهمیت دارد که محور عمودی برخی از غزلیات در نسخهٔ چایی انسجام ندارد و معنا و مفهوم دقیقی از بیت‌ها و ارتباط عمودی آن‌ها نمی‌توان به دست آورد. برای نمونه بیت‌هایی که در غزل زیر در داخل قلاب [] نهاده شده‌اند، در چاپ باستانی وجود ندارند.

من عاشق و رند و می پرستم	سرمست صیوحی الستم
[با اهل طرب درست عهدم	خود توبه ز بهر آن شکستم]
[ای غره به هوشیاری خویش	بگذر ز نصیحتم که مستم]
[تا من در حب جاه در دل	چون ابن یمین بکل نبستم]
از بند جهان نگشتم آزاد	وز منت ایمن و آن نرستم
دل از سر نام و ننگ برخاست	تا من به مراد دل نشستم
بس حیل و بس بهانه جستم	تا از در تنگ توبه جستم
چون ابن یمین بسا که گویم	زین گونه که رند و می پرستم
کز پای در آمدم ز مستی	ای دوست بیابگیر دستم

(ص ۲۷۰)

در ادامه به نمونه‌هایی از بیت‌های غزلیات ابن یمین خواهیم پرداخت که پس از مقابلهٔ آن‌ها با نسخه‌های دیگر به ضبط‌های بهتری می‌توان دست یافت:

۱. گرچه در بحر غم او به کنار افتادیم لیک شادیم که امید کنارست هنوز
(ص ۱۸۴)

تکرار «کنار» سهو کاتب است. این غزل در نسخه س و ج نیست. در نسخه اساس و ل

به جای «کنار» در مصراع اول «میان» آمده است. برای شاعر مطلوب است که در میان دریای غم عشق او (معشوق) باشد و این غم او را شادمان نگه دارد به امید این‌که سرانجام به کنار (آغوش) یار برسد (با ایهام تناسب در کلمه «کنار»).

۲. بیاض غمزه روی و سواد طره شب ز روی و موی نمود آن نگار شیرین لب
(ص ۱۸۶)

«بیاض غمزه روی» تعبیر غریبی است. در نسخه‌های اساس و س و ج و ل، به جای آن آمده است «بیاض غره روز» و این صورت به قرینه لفّ و نشری که در مصرع دوم ایجاد می‌شود، صحیح است.

۳. چون چنگ سرفکنده به پیشم به غم مدام کز جور دور کیسه تهی کرد چون رباب
(ص ۱۸۷)

این غزل در دو نسخه س و ج نیست. اما در نسخه اساس و ل، مصراع اول به صورت «چون چنگ سر به پیش درافکندهام ز غم» آمده است. مشکل معنایی بیت آن است که به لحاظ دستوری در مصراع دوم نهاد معلوم نیست؟ در نسخه اساس و ل به جای «کز»، «کم» آمده است و در اصل صورت صحیح بیت این گونه است:

چون چنگ سر به پیش درافکندهام ز غم کیم جور دور کیسه تهی کرد چون رباب
معنی مصراع: که جور دور (روزگار) کیسه‌ام را چون رباب تهی کرد.

۴. در خم چوگان زلف او دل سرگشته را همچو گوی افتاده بینم اندر تاب تاب
(ص ۱۸۷)

«تاب‌تاب» در فرهنگ‌های لغت به معنی «پرتوافکن» و «نورافشاننده» آمده است (دهخدا، ذیل تاب‌تاب) و در این بیت هیچ تناسبی با معنای بیت ندارد و به قرینه «چوگان» و «گوی» باید، «طاب‌طاب» باشد که صورتی دیگر از «طب‌طاب» است؛ یعنی «آن چوب که گوی بر آن اندازند» یا تخته گوی‌بازی» (همان: ذیل طب‌طاب و طاب‌طاب). این کلمه در متون دیگر نیز به صورت «طاب طاب» به کار رفته است: «و به گذشته شدن او توان گفت که سواری و چوگان و طاب‌طاب و دیگر آداب این کار مدروس شد» (بیهقی، ۱۳۷۴: ۶۱۹).

۵. بر رخ او قطره‌های خوی چو شبنم بر گلست

هر زمانی چون گلی و چون گلابی دیگرست
(ص ۱۹۹)

اگر بتوان ربط معنایی دقیقی بین مصراع اول و دوم پیدا کرد باز هم این بیت شعر، بسیار ابتدایی و نازل است. در نسخه اساس به صورت «هر زمانی در گلی و در گلابی دیگرست»، ضبط شده که باز هم مشکلی از معنای بیت نمی‌گشاید. در نسخه س، ج و ل «یا چو بر آب روان هر یک حبابی دیگرست»، آمده است. اشکال کار از آنجا بوده است که در نسخه‌ها بعد از این بیت، بیت دیگری به این صورت آمده:

خاطرم ز اندیشه گلبرگ رویش زیر خوی هر زمانی در گلی و در گلابی دیگرست
و کاتب نسخه باستانی‌راد این مصراع را در عوض حذف مصراع «یا چو بر آب روان هر یک حبابی دیگرست» جایگزین کرده است. صورت صحیح این دو بیت چنین است:
بر رخ او قطره‌های خوی چو شب‌نم بر گلست

یا چو بر آب روان هر یک حبابی دیگرست
خاطرم ز اندیشه گلبرگ رویش زیر خوی

هر زمانی در گلی و در گلابی دیگرست

۶. در غم عارض خورشید و شوت جان و دلم گرچه از زلف تو آویخته دام بلاست
گر نجات دل این خسته ز غم می‌طلبی نظری کن که اشارات تو قانون شفاست
(ص ۲۰۲)

سخن بر سر مصرع دوم بیت اول است که بعد از آن باید جواب شرط آن گفته شده باشد اما چنین نیست. در این بیت باز هم ضبط فاسد نسخه باستانی‌راد خود را نشان می‌دهد. کاتب نسخه به جای مصرع «ذرّ‌ای مانده و آن نیز معلق به هواست» که در نسخه‌های س، ج و ل آمده است. این مصرع را نوشته است که متعلق به چند بیت پایین‌تر از این غزل است:

طمع از دانه خالت نبرد مرغ دلم گر چه از زلف تو آویخته دام بلاست

۷. جان به شکرانه فدا می‌کنم اندر قدمت گر رسد از لب آن چیز که کام دل ماست
(ص ۲۰۱)

«آن چیز» که در نسخه چاپی آمده است، معنای دقیقی ندارد. در نسخه اساس

باستانی‌راد: «خیر»، نسخهٔ س: «خیز» و در نسخه ج و ل: «چیز» ضبط شده که هیچ‌کدام از این ضبط‌ها معنای دقیقی به بیت نمی‌دهد؛ صورت صحیح «خیر» است. ابن‌یمین «خیر» را در دو معنای خود به کار برده است تا ابهامی لطیف بسازد: الف) خیر: جواب منفی و معادل نه، ب) خیر و خوبی.

۸. چون نوعروس فکر تو آید به جلوه‌گاه آن لحظه یا ز غایت اخلاص یا ز داد (ص ۲۳۳)

ضبط‌های هیچ‌کدام از نسخه‌ها مشکل مصراع دوم را حل نمی‌کند: اساس و ل: «ما رعایت»، س و ج: «و غایت». به نظر می‌رسد، مصراع دوم باید چنین باشد: «آن لحظه ما و آیت اخلاص و ان یکاد»

۹. به زیر خط، رخ خوب ترا چنان دیدم که آتشت بر او آب مشک ناب زده (ص ۲۸۷)

در این بیت تشبیهی مرکب به کار رفته است. به این صورت که رخ خوب معشوق در زیر خط، مانند آتشی است که در زیر مشک ناب باشد. به این اعتبار باید روی خوب ارتباطی با آتش که در سرخی به آن مثل می‌زنند، داشته باشد. در نسخهٔ اساس، س، ج و ل، مصراع اول به این صورت ضبط شده است و همین درست است: «به زیر خط، رخ گلرنگ او چنان دیدم».

۱۰. منم که مردم چشم خیال پیمایم که تا خیال تو دیده دلش ز خواب زده (ص ۲۸۸)

تکرار «خیال» در یک معنا در یک بیت چندان پذیرفتنی نیست. به جای خیال در مصراع دوم در نسخه اساس و س، ج و ل «فراق» ضبط شده است.

۱۱. گر کنم دعوی عشقت صنما هست مرا بر دلم چشم گهربار برین حال گواه (ص ۲۸۹)

معنای دقیقی برای مصراع دوم نمی‌توان متصور شد. ربط بین دل و چشم گهربار در این بیت دشوار است: «بر دلم چشم گهربار گواه است که من ادعای عشق ترا دارم(؟) در سه نسخهٔ اساس ما و س و ج به جای «بر دلم» که ضبط نسخهٔ باستانی‌راد است، «مردم» ثبت شده که صورت صحیح است. معنی بیت: مردم (مردمک) چشم گهربار (اشکبار و به اعتبار سرخی شبیه گوهر) بر این ادعای من که عاشق تو هستم گواه است.

۱۲. ماییم و روانی و غمت آمده بر لب
گر سر رود اندر سر سودات چه باکست
سودیست از آن مایه و زین گونه زیانی
گر حکم کنی بر تو فشانیم روانی
(ص ۲۹۰)

این غزل در دو نسخه س و ج نیست و در نسخه باستانی راد به همین صورت ضبط شده است. در نسخه اساس ما و ل، مصراع‌های دوم جابه‌جا هستند و صورت صحیح همین است:

ماییم و روانی ز غمت آمده بر لب
گر سر رود اندر سر سودات چه باکست
سودیست از آن مایه و زین گونه زیانی
گر حکم کنی بر تو فشانیم روانی

۱۳. ای دل چو هوای دلبرت هست
زین پس بر ما عفاف منمای
(ص ۲۹۱)

«بر ما» در مصراع دوم، در نسخه‌های س، ج و ل «بریا» (به‌ریا = ریاکارانه) آمده است.

۱۴. شدم چو ذره‌ئی در غم از آندم
که بر خورشید انور خط کشیدی
(ص ۲۹۶)

در اساس ما و س و ج مصراع به این صورت ضبط شده است: «شدم چون ذره بی آرام از آن دم».

۱۵. تا بر سریر حُسن تویی ماه‌چهره‌ای
هستم ز عشق تو در شهر شهره‌ئی
(ص ۲۹۸)

«سریر حُسن» فقط در نسخه باستانی راد «ت» آمده است که هرچند بی‌اشکال به نظر می‌رسد؛ اما در نسخه‌های اساس ما و س و ج و ل، به صورت «سپهر حُسن» ضبط شده که ارجح است به قرینه «ماه». ابن یمن باز هم «سپهر حُسن» را به کار برده است:

زهی ملک لطافت را وجودت نازنین شاهی
جمال^۲ عالم آرایت سپهر حسن را ماهی
(ص ۳۰۶)

۱۶. ساقی قدحی می که درو هست صفایی
به زان مطلب نزد خرد راهنمایی
(ص ۳۰۷)

«می» زایل‌کننده خرد است و در اینجا ابن یمن آن را راهنمایی‌کننده به خرد دانسته

است. با توجه به کل این غزل که سراسر آن توصیف شراب است؛ می‌توان دریافت که مصرع دوم بیت بالا توجیهی ندارد. این غزل در نسخه‌های س و ج نیامده است، اما در نسخه‌ی اساس ما و ل به این صورت ضبط شده است: «به زان مَطَّلَب سوی طرب راه‌نمایی». ۱۷. و چشم دلفریب تو داری بدی مرا بازار سحر جادوی بابل شکستمی (ص ۳۰۸)

مصرع اول به چه معنی است؟ در چاپ باستانی‌راد به همین صورت ثبت شده است؛ اما در نسخه‌ی اساس او به جای «بدی»، «بود» ضبط شده است که آن هم بیت را اصلاح نمی‌کند. این غزل در س و ج نیست؛ اما در نسخه‌ی اساس ما و ل، این مصرع به صورت «و چشم دلفریب تو دادی مدد مرا» ضبط شده است.

۱۸. چند از رسته دندان چو عقد گهرت صدفش جوهر فردی شده یعنی دهنی (ص ۳۰۹)

مصرع اول با مصرع دوم ربط دستوری ندارد. این غزل در س و ج نیست؛ اما در نسخه‌ی اساس ما و ل به جای «چند از»، «حَبِّذا» (= زهی، نیکا، خوشا) است.

نتیجه

دیوان ابن یمین فریومدی که پنجاه‌ودو سال پیش به اهتمام حسینعلی باستانی‌راد به چاپ رسیده است و از آن زمان تا کنون تنها مرجع موثق محققان بوده است، اشکالات فراوان دارد. با آن‌که وی کوشیده است، متنی صحیح از شعر ابن یمین ارائه کند؛ اما اعتنای او به یک نسخه از نسخه‌های موجود از دیوان، سبب شده است که بسیاری از اشعار ابن یمین به‌ویژه در غزلیات وارد دیوان چاپی نشود. با مقابله‌ی نسخه‌های دیوان که مصحح پیشین به آن توجه نداشته است، تعداد ۷۲ غزل و در مجموع ۸۵۸ بیت به اشعار ابن یمین افزوده خواهد شد که با وجود آن‌ها ارتباط برخی غزلیات در محور عمودی منسجم‌تر و بسیاری از ضبط‌های فاسد رفع می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. «جنگ زاوه اگر چه از وقایع کوچک تاریخ ایران است؛ ولی در تاریخ ادبیات فارسی به یک غایت اهمیت پیدا کرده. چه شاعر مشهور امیر محمود بن یمن فریومدی در جزء اتباع امیر وجیه‌الدین مسعود در این جنگ حضور داشته و دیوان شعر او در حین جنگ به غارت رفته و مفقود شده و ابن یمن در تأسف بر فقدان آن و مدح ملک حسین کرت و التماس تفحص احوال دیوان خود ابیاتی منظوم ساخته است» (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۴۷۱). برای تفصیل جنگ زاوه رک: حافظ ابرو، ج ۱ / ۱۳۹ ط-۱۴۵؛ خوافی، ۱۳۸۶: ج ۲ / ص ۹۲۸، میرخواند ۴ / ۶۸۲، ۵ / ۶۱۴؛ دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۸۱؛ خوافی، ج ۲ / ۹۲۸-۹۲۹. در مقدمه‌ای که بر کلیات خود نوشته به این موضوع پرداخته است.
۲. در نسخه چاپی باستانی‌راد «جهان» است که با توجه به نسخه اساس و ل، آن را به این صورت صحیح تغییر دادیم.

منابع

۱. آتابای، بدری. (۲۵۳۵). فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی، ج ۱، تهران: چاپخانه زیبا.
۲. آذر بیگدلی، لطفعلی خان بن آقاخان. (۱۳۳۶). آتشکده، بخش نخست. به تصحیح و تحشیه و تعلیق حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.
۳. ابن‌یمن فریومدی، محمود بن یمن‌الدین. (۱۳۴۴). دیوان. به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی‌راد، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
۴. _____ . (۱۳۱۸). دیوان قطعات و رباعیات. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی مروج، چاپخانه شرکت مطبوعات.
۵. اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۴). تاریخ مغول، تهران: امیرکبیر.
۶. امین احمد رازی. (۱۳۸۹). تذکره هفت اقلیم. تصحیح تعلیقات و حواشی سیدمحمدرضا طاهری «حسرت»، تهران: سروش.
۷. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸. بیاض تاج‌الدین احمد وزیر. (۱۳۵۳). (چاپ عکسی) زیر نظر ایرج افشار و مرتضی تیموری، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۹. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۷۴). تاریخ بیهقی، تصحیح علی‌اکبر فیاض، تهران: علمی.

۱۰. خوافی، احمد بن محمد. (۱۳۸۶). مجمل فصیحی. تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
۱۱. درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۲. دولت‌شاه، دولت‌شاه بن بختی‌شاه. (۱۳۸۲). تذکره الشعرا. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۸). تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم، بخش دوم، تهران: فردوس.
۱۵. عارف نوشاهی، رضال‌الله شاه. (۱۳۹۱). کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، تهران: میراث مکتوب.
۱۶. واله داغستانی، علیقلی بن محمد علی. (۱۳۹۱). تذکره ریاض الشعرا، تصحیح مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. هدایت، رضاقلی بن محمد هادی. (۱۳۳۹). مجمع الفصحا، ج ۴، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.